

لغات کلیدی و تکمیلی زبان انگلیسی

پایه: "نهم"

Prospect Three: "Key Words"

گردآورنده:

"جمال احمدی"

دبیر دبیرستانهای نمونه شهرستان بوکان / استان آذربایجان غربی

فایده صوتی و ویرایش:

"وحید حشمتی"

دبیر دبیرستانهای نمونه شهرستان آباده / استان فارس

سایر جزوات و مطالب آموزشی در کانال تلگرامی:

@PracticalEnglishInKonkour

شهریور ۱۴۰۱



لغات کلیدی پایه "نهم" (Prospect Three)

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
accident	تصادف	bruise	کبودی
account	حساب	burn	سوختن، سوزاندن
actually	در واقع، در حقیقت	business	حرفه - تجارت
advice	نصیحت - پند	busy	مشغول - گرفتار
ago	پیش، قبل	buy	خریدن
airport	فرودگاه	by	به وسیله، با - کنار، نزدیک
all around	در سرتاسر	bye	خداحافظ
also	همچنین	call	نامیدن - صدا زدن - تلفن کردن
always	همیشه	careful	مراقب - دقیق
amazing	شگفت انگیز	careless	بی دقت
angry	عصبانی	celebrate	جشن گرفتن
ankle	قوزک پا	ceremony	جشن، مراسم، تشریفات
anniversary	سالگرد	chalk	گچ
anthem	سرود - ترانه	change	تغییر دادن - عوض کردن، عوض شدن
antivirus	ویروس کش	channel	کانال - شبکه
anyone	هر کسی	charity	خیریه
around	دور و بر - اطراف - حدود	cheap	ارزان
ask for	درخواست کردن برای	check in	ثبت نام کردن - نام نویسی کردن
at first	در ابتدا	check out	تسویه حساب کردن (هتل)
attend	شرکت کردن در - رفتن به	children	بچه ها
baggage	چمدان - وسایل سفر	clean	تمیز کردن - تمیز
back	پشت	clear	پاک کردن - شفاف
bake	پختن (نان و شیرینی و...)	clever	باهوش
beautiful	زیبا	climb	بالا رفتن
because	زیرا، چونکه	clothes	لباس
begin	شروع کردن	color	رنگ - رنگ آمیزی کردن
best	بهترین	connect	متصل شدن، متصل شدن
big	بزرگ	come	آمدن
bleed	خونریزی کردن	comedy	کمدی - طنز
board	سوار شدن	commemorate	گرامی داشتن
brave	شجاع، دلیر	company	شرکت، کارخانه
break	شکستن - زنگ تفریح	cookie	شیرینی، کلوچه
brilliant	باهوش - خارق العاده، محشر	corner	گوشه، کرner
brought	آوردن (شکل دوم و سوم فعل bring)	could	توانستن (شکل گذشته فعل can)



لغات کلیدی پایه "نهم" (Prospect Three)

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
course	دوره - کلاس	festival	جشنواره، مراسم، فستیوال
crash	تصادف	fill out	پر کردن (فرم)
cruel	ظالم - ستمگر	find	پیدا کردن
cry	گریه کردن - جیغ کشیدن	finger	انگشت
culture	فرهنگ	fire	آتش - اخراج کردن - شلیک کردن
cut	بریدن، قطع کردن	firefighter	آتش نشان
dictionary	فرهنگ لغت	firework	آتش بازی
different	متفاوت، مختلف	first aids	کمکهای اولیه
dinner	شام	florist	گل فروش
dish	ظرف - غذا	fruit	میوه
do homework	تکلیف انجام دادن	fun	تفریح - سرگرمی
donate blood	اهدا کردن خون	forget	فراموش کردن
don't worry	نگران نباش	French	فرانسوی
do voluntary work	کار داوطلبانه انجام دادن	friendly	دوستانه - صمیمی
drive	راندن - رانندگی کردن	from	از - اهل
easy	آسان، راحت	funny	بامزه، خنده دار، مضحک
eat	خوردن	gas station	پمپ بنزین
egg	تخم مرغ	generous	بخشنده، سخاوتمند
emergency	اورژانس - حالت اضطراری	Germany	آلمان
enjoy	لذت بردن	get	به دست آوردن - گرفتن
envelope	پاکت نامه	get off	پیاده شدن
environment	محیط زیست	get on	سوار شدن
e-ticket	بلیط الکترونیکی	get out	بیرون آمدن - بیرون رفتن
every	هر	gift	کادو، هدیه
everybody	هر کسی	give	دادن
event	رویداد، حادثه	go out	بیرون رفتن
excellent	عالی، محشر	grandparents	پدر بزرگ و مادر بزرگ
excuse me	بخشید - شرمنده	guess	حدس، حدس زدن
express train	قطار سریع السیر	guest	مهمان
facilities	امکانات	guide book	کتاب راهنما
fall	افتادن، سقوط کردن - پاییز	hair	موی سر
fantastic	شگفت انگیز	happen	اتفاق افتادن، روی دادن
fast	سریع - به سرعت - روزه، روزه گرفتن	happy	خوشحال، شادمان



لغات کلیدی پایه "نهم" (Prospect Three)

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
hard	سخت - سفت	just	فقط، تنها - تازه، به تازگی
hard-working	سخت کوش	just a moment	فقط یک لحظه
has	داشتن - خوردن	keep	نگه داشتن - نگه داری کردن
have	داشتن - خوردن	keep clean	تمیز نگه داشتن
head	سر - رئیس	keep on	ادامه دادن
health	سلامتی	key	کلید
heart attack	حمله قلبی - سکته قلبی	kid	بچه
help charity	به امور خیریه کمک کردن	kind	مهربان - نوع
helpful	یاری رسان - مفید	knee	زانو
Here you are.	بفرمایید	lake	دریاچه
hire	کرایه کردن	land	زمین، سرزمین - خشکی
hit	زدن - برخورد کردن به	last	آخرین - گذشته
hold	نگه داشتن - برگزار کردن	late	دیر، دیر کردن - تاخیر
holiday	تعطیلی	later	بعداً
homework	تکلیف	learn	یادگرفتن
hope	امیدوار بودن - امید	leave	ترک کردن - گذاشتن - جا گذاشتن
house	خانه	leg	پا
housewife	زن خانه دار	letter	نامه - حرف
housework	کار منزل	life	زندگی
Hurry up!	عجله کن	live	زنده - زندگی کردن
hurt	صدمه دیدن - آسیب رساندن	lock	قفل - قفل کردن
I'd like	مایلم - تمایل دارم، دوست دارم	look after	مراقبت کردن
if	اگر - اگر	look at	نگاه کردن به
important	مهم	look for	گشتن به دنبال، جستجو کردن برای
information	اطلاعات	look up	نگاه کردن به بالا - گشتن به دنبال معنی لغت
injury	زخم، جراحت	lost	گمشده - شکل دوم و سوم فعل lose
install	نصب کردن	love	عشق ورزیدن
interested in	علاقمند به	luck	شانس - بخت
interesting	جالب - جذاب	lunch	ناهار
international	بین المللی	mail box	جعبه پستی
interview	مصاحبه - مصاحبه کردن	make	ساختن، درست کردن - مجبور کردن
invite	دعوت کردن	map	نقشه
I see.	می فهمم - پس که اینطور	match	جور کردن - مسابقه - کبریت (در جمع)
job	شغل، حرفه	meal	وعده غذایی



لغات کلیدی پایه "نهم" (Prospect Three)

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
media	رسانه	stand	ایستادن
member	عضو	stick	چسپیدن - چسپاندن
message	پیام	sure	مطمئن، یقیناً
military	ارتشی - نظامی - جنگی	suitable	مناسب
money	پول	take	گرفتن - بردن
nature	طبیعت	take care of	مراقبت کردن از
neat	تمیز	take off	برخاستن هواپیما (از باند فرودگاه)
nervous	عصبی - مضطرب	take out	بیرون بردن - بیرون کشیدن
never	هرگز	talkative	پر حرف
normally	به طور عادی - معمولاً	text	پیام فرستادن - متن
often	اغلب	That's nice!	خوبه - قشنگه
on shifts	نوبتی - شیفتی	the same	یکسان - مشابه
pack	وسایل سفر را بستن	things	اشیاء - وسایل - چیزها
participate	شرکت کردن، حضور یافتن	think	فکر کردن
patient	بیمار - صبور	those	آنها
pay toll	پرداخت عوارض	ticket	بلیط - برگ جریمه
plaster	چسب	timetable	برنامه زمانی - جدول زمانی
pleasant	خوشایند - مطلوب، دلپذیر	together	با هم
possible	ممکن - احتمالی	too	همچنین - بیش از حد، خیلی
prayer	عبادت - نماز	tourist	گردشگر - توریست
receptionist	متصدی پذیرش	travel	سفر - مسافرت
relative	قوم و خویش	trip	سفر - مسافرت
religious	مذهبی	upset	غمگین - ناراحت
selfish	خودخواه - مغرور	us	به ما - ما را - از ما - برای ما
serious	جدی - عبوس	use (n, v)	استفاده - استفاده کردن
should	باید، بهتره	usually	معمولاً
shy	خجالتی، کم رو	vegetable	سبزیجات
sing	آواز خواندن	voyage	سفر (در دریا و فضا)
sir	قربان - آقا	wake up	بیدار شدن، بیدار کردن
soldier	سرباز	war	جنگ
somebody	شخصی - کسی	weigh	وزن کردن - وزن داشتن
something	چیزی	wish	آرزو، آرزو کردن
speak	صحبت کردن	wound	زخم، جراحت - مجروح کردن
stamp	مهر - تمپر - مهر زدن	well done!	آفرین

سایر لغات کلیدی پایه "نهم" (Prospect Three)



	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
welcome	خوش آمد گویی، خوش آمدید	fill	پر کردن - پر شدن - انباشتن
start	شروع کردن	circle	دایره - دور چیزی دایره کشیدن
ambulance	آمبولانس	throat	گلو
alphabet	حروف الفبا	mechanic	مکانیک
number	شماره - عدد	mantle	رو پوش - عبا - ردا
each other	همدیگر	yard	حیات
lesson	درس	yesterday	دیروز
spaghetti	ماکارونی، اسپاگتی	check	بررسی کردن، چک کردن
manteau	مانتو	delete	حذف کردن
morning	صبح	letter	نامه - حرف
mark	نمره - نشان، علامت	song	آهنگ - ترانه
conversation	مکالمه	objects	اشیاء
with	با - همراه	then	آنگاه - سپس - بعد
how	چطور - چگونه	afternoon	بعد از ظهر
example	مثال	yourself	خودت
practice	تمرین - تمرین کردن	sound	صدا - به نظر رسیدن
item	فقره - بخش - آیت	below	زیر - پائین
height	ارتفاع - بلندی	dirty	کثیف
husband	شوهر	breakfast	صبحانه
pardon	بخشید؟ - بخشیدن	personality	شخصیت
understand	فهمیدن - درک کردن	any	هیچ، هیچی - هر
mime	پانتومیم - نمایش بدون حرف زدن	sharpener	مداد تراش
one by one	یکی پس از دیگری	cheese	پنیر
polite	مؤدب	rude	گستاخ، پر رو، بی ادب
evening	سر شب	expression	عبارت - اصطلاح
weekly	هفتگی، هفته ای	worry	نگران بودن، دلوایس بودن
running nose	آبریزش بینی	martyrdom	شهادت
martyr	شهید - به شهادت رساندن	lion	(حیوان) شیر

Telegram Channel: @PracticalEnglishInKonkour